

مالیات شرکتهای سرمایه گذاری و مشکلات آن

مجید میراسکندری

اشاره

قانون مالیاتهای مستقیم در بحث شرکتهای مشکلات فراوانی به همراه دارد و از زوایای مختلف مورد بررسی و اظهار نظر و انتقاد قرار گرفته است. شرکتهای سرمایه گذاری هم با این قانون مشکلاتی دارند که اختصاص به خود آنها دارد. گو اینکه مسائل مالیاتی باید در کلیت خود حل شوند، ولی در عین حال مطرح کردن بحث مالیات شرکتهای سرمایه گذاری هم خالی از فایده نیست. برای طرح مشکلات مالیاتی شرکتهای سرمایه گذاری، ابتدا مدل ساده‌ای از نظر محاسبه مالیات را ارائه می‌کنیم. چنان که مشخص است، مشکلات از اولین ردیف تا آخرین ردیف وجود دارد.

۱- سود (زیان) فروش در بورس در حال حاضر از فروش سهام در بورس نیم درصد مالیات مقطوع وصول می‌شود چه این معامله سودآور باشد چه زیان‌آور. ممکن است برای اشخاص حقیقی این طرز عمل خوبی باشد ولی برای اشخاص حقوقی مناسب نیست، چرا که اگر زیان فروش سهام در

۲- سود (زیان) فروش سهام خارج از بورس در این مورد مالیات علی‌الحساب از ۵ تا ۱۵ درصد پرداخت می‌شود که علی‌الاصول مانند مورد فوق است. با این فرض که مالیات آن از ۱۰ تا ۳۰ برابر است. البته شرکتهای سرمایه‌گذاری مالیات پرداختی را به‌عنوان پیش پرداخت مالیات بر درآمد در نظر

می‌گیرند و آخر سال با حوزه مالیاتی حساب می‌کنند ولی با توجه به اینکه شرکتهای سرمایه‌گذاری معمولاً از دولت طلبکارند، این هم قوزبالاقوزی شده است. چرا وزارت دارایی حتی حاضر نیست به اندازه کسری از یکسال مالی صبر کند؟ شاید این معامله برای شرکت یا شرکت در مجموع سودآور نباشد. حداقل شرکتهای

می‌تواند مثل دیگران مالیات بدهد و اگر زیان داشت، مالیات ندهد. شرکتهای سرمایه‌گذاری معمولاً به خرید و فروش کوتاه‌مدت سهام فکر نمی‌کنند و این موضوع فقط برای شرکتهای غیرسرمایه‌گذاری مفید است که سهام شرکتهای عضو گروه رسمی یا غیر رسمی خود را معامله می‌کنند.

بورس داشته باشند بی‌جهت مالیات داده‌اند. این فرض هم که این کار همواره سودآور است، درست نیست و تازه اگر هم شرکتی از فروش سهامی (حتی در بورس) سود ببرد، چرا باید نیم درصد مالیات مقطوع بدهد؟ چه بسا همین شرکت در مجموع، زیان داشته باشد. اگر با محاسبه درآمدها و هزینه‌ها شرکت سود داشت،

مشکلات	توضیح	مشمول مالیات		کل	
		غیر مشمول مالیات / معاف	مشمول مالیات / محاسبات		
					سود (زیان) فروش سهام در بورس
	اگر زیان باشد، غیر قابل قبول است.	۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰	—	۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰	
					سود (زیان) فروش سهام خارج از بورس
	مالیات علی الحساب پرداخت می‌شود برای شرکتهای فروشنده مناسب نیست و زیان؟	—	۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰	
	رقم سود قابل محاسبه تعریف نشده است.	معافیت قانونی	۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰	درآمد سود سهام
			۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۵۰,۰۰۰,۰۰۰	درآمد مشارکتها و خدمات
			—	۵۰,۰۰۰,۰۰۰	درآمد سود سپرده و اوراق مشارکت
		۵۰,۰۰۰,۰۰۰	—	۵۰,۰۰۰,۰۰۰	
		۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰	جمع درآمدها
					ذخیره کاهش ارزش سرمایه‌گذاری‌ها
	عدم پذیرش مالیاتی - خارج از بورس هم همینطور	غیر قابل قبول مالیاتی (بورس)	< ۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ >	—	< ۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ >
	تفکیک بین مشمول و غیر مشمول؟	به نسبت درآمدها	< ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ >	< ۶۰,۰۰۰,۰۰۰ >	< ۱۶۰,۰۰۰,۰۰۰ >
			۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۴۰,۰۰۰,۰۰۰	سود سال
	شامل مالیات مضاعف است		—	< ۲۴,۰۰۰,۰۰۰ >	۱۰ درصد مالیات شرکت
		به دلیل نگهداری اندوخته به مبلغ ناخالص از غیر مشمول کسر شده است	< ۱۶,۰۰۰,۰۰۰ >	—	< ۱۶,۰۰۰,۰۰۰ >
					۲ درصد عوارض
	شامل مالیات مضاعف است	چون هزینه غیر قابل قبول است!	< ۷,۲۰۰,۰۰۰ >	—	< ۷,۲۰۰,۰۰۰ >
		از غیر مشمول کسر شده است!			
			۱۷۶,۸۰۰,۰۰۰	۲۱۶,۰۰۰,۰۰۰	۳۹۲,۸۰۰,۰۰۰
					سود قابل تقسیم پرداختی
				۲۴,۰۰۰,۰۰۰	۱۰ درصد مالیات شرکت
				۴۰,۰۰۰,۰۰۰ = نرخهای ماده ۱۳۱ ×	مالیات سهامداران
				۷,۲۰۰,۰۰۰	۲ درصد
				۷۱,۲۰۰,۰۰۰	جمع مالیات قابل پرداخت
				۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰	پیش پرداخت مالیات
				۷۸,۸۰۰,۰۰۰	طلب شرکت از دولت
	در نبود فیش مالیاتی مشخص اثبات آن مشکل است دریافت برگ قطعی زمان باز دریافت طولانی				

سرمایه‌گذاری باید این قدر مورد اعتماد باشند. حال می‌گذریم از این که این معامله یا شرکت در مجموع می‌تواند زیان داشته باشد!

است یا قطعی و اگر قطعی است، چه مدت زمانی نیاز دارد تا پاسخها مشخص و جمع شود و غیره و خلاصه برسد به آنجا که برگ تشخیص صادر شود و دنباله قضایا!

است چون قبولاندن زیان شرکتهای سرمایه‌پذیر خارج از بورس بسیار مشکل است و تا این زیان اثبات نشود، حوزه مالیاتی از قبول این هزینه خودداری می‌کند. اثبات آن هم با قطعی شدن مالیات شرکت سرمایه‌پذیر و تعیین مقدار زیان قابل قبول آن به عقب می‌افتد و هم مشمول درصدی می‌شود که اصل زیان توسط حوزه شرکت سرمایه‌پذیر، پذیرفته شده است.

۵- هزینه‌ها و سرشکن کردن آن بین قسمتهای مشمول مالیات و غیرمشمول مالیات بر درآمد -

هر شرکت سرمایه‌گذاری دارای قسمتهای دوگانه سود مشمول مالیات و غیرمشمول مالیات است. هزینه‌ها هم که از اجزای مختلفی تشکیل می‌شوند باید بین این دو قسمت درآمد، سرشکن شوند. مشکل اینجاست که معیاری که از طرف مودی و ممیز مالیاتی پذیرفته شده باشد، وجود ندارد. مودی سعی می‌کند قسمت بیشتری از هزینه‌ها را به درآمدهای مشمول مالیات مستتب کند و ممیز مالیاتی برعکس، هزینه‌ها را متعلق به قسمت غیرمشمول مالیات می‌داند. مثلاً مودی می‌گوید هزینه‌ها بیشتر صرف وصول درآمد سود سهام، فروش سهام خارج از بورس و مشارکتها و خدمات شده است و ممیز می‌گوید خیر هزینه‌ها بیشتر مربوط به فروش سهام در بورس است چون برای این کار، هم کارکنان و هم هزینه سربار زیادی صرف می‌شود!

موقعی که درآمد مشمول و غیرمشمول هر دو مثبت باشند، معمولاً تقسیم هزینه‌ها به نسبت ناخالص این درآمدها انجام می‌شود (فعلاً چاره‌ای نیست) ولی فرض کنیم یکی از ستونها صفر و دیگری مثبت یا منفی باشد یا یکی مثبت و یکی منفی باشد. خوب

۳- درآمد سود سهام

مشکل درآمد سود سهام دریافتی از اینجا شروع می‌شود که اصولاً این درآمد تعریف مشخصی ندارد. شرکت سرمایه‌پذیر، مقادیری سود دارد و مبالغی معافیت. قسمتی از سود را اندوخته می‌کند، مقداری را نگه می‌دارد، اخیراً مد شده بعضی از هزینه‌ها (مثل پاداش هیئت مدیره و ۳ درصد و غیره) را هم از سود کم می‌کند، مالیات سود تقسیم شده و نشده را هم روی هم طبق ماده ۱۳۱ حساب می‌کند و دست آخر یک رقم خالص

را برای پرداخت اعلام می‌کند. تعیین رقمی که باید توسط شرکت سرمایه‌گذاری به عنوان درآمد سود سهام در نظر گرفته شود، خیلی آسان نیست ولی ظاهراً حسابداران به این نتیجه رسیده‌اند که رقم خالص دریافتی به اضافه مالیات سود سهام تقسیم شده را به عنوان درآمد شناسایی کنند در اینجا تقسیم مالیات سود سهام تقسیم شده و تقسیم نشده، با توجه به سایر کسورات، معضلی است که هر حسابداری با هر ممیز مالیاتی براساس سلیقه مشترک، انجام می‌دهند. معافیت مالیاتی سهم سود تقسیم شده هم داستانی دارد که خود مثنوی هفتاد من کاغذ است. اینکه ممیز محترم باید از تمام شرکتهای سرمایه‌پذیر (از طریق حوزه‌های مالیاتی آنها) استعلام کند و پاسخها را بگیرد و معلوم نیست که منظور، معافیت ابرازی

۴- ذخیره کاهش ارزش سرمایه‌گذاریها

مشکلات این ردیف، برای شرکتهای سرمایه‌پذیر پذیرفته شده در بورس یا غیر آن متفاوت است:

الف - در مسود شرکتهای سرمایه‌پذیر، پذیرفته شده در بورس - این هزینه، قابل قبول نیست به همان دلیل بند ۱ که می‌گویند این سهام را اگر بفروشید، مالیات مقطوع دارد، از ایسن رو زیان نگهداری آن مثل زیان فروش است و پذیرفتنی نیست. مشخص است که شرکتی که سهامی را در

بورس خریده است و از نگهداری آن زیان برده، به آسانی تنبیه می‌شود. این مسئله این روزها که سهامدار بودن در بورس زیان‌آور است، خیلی خوب خود را نشان می‌دهد، شرکتهای سرمایه‌گذاری در این مورد به جایی رسیده‌اند که می‌بینید خیلی بیشتر از مبالغی که از قبل ماده ۱۴۳ برده‌اند، حالا باید پس بدهند. اگر مالیات مقطوع برداشته شود، آنوقت غیر از زیان فروش، زیان نگهداری هم علی‌الاصول باید قابل قبول باشد.

ب - در مورد شرکتهای سرمایه‌پذیر خارج از بورس - این هزینه باید پذیرفتنی تلقی شود ولی کیست که بتواند آن را اثبات کند. در مورد شرکتهای بند الف، حداقل این است که زیان حاصل به آسانی قابل اثبات است ولی در این مورد کار بسیار مشکل

هر شرکت سرمایه‌گذاری دارای قسمتهای دوگانه سود مشمول مالیات و غیرمشمول مالیات است. هزینه‌ها هم که از اجزای مختلفی تشکیل می‌شوند باید بین این دو قسمت درآمد، سرشکن شوند.

هزینه‌ها را چگونه تقسیم کنیم؟ البته این مشکل ممیز مالیاتی به تنهایی نیست. ما حسابدارها هم در این مورد سلیقه‌های مختلفی داریم.

۶- ده درصد مالیات شرکت

شرکتهای سرمایه‌گذاری خارج از بورس، این ۱۰ درصد را باید بپردازند موضوع مضاعف بودن این مالیات از مدتها پیش مطرح بوده است. به همت سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران این موضوع دست آخر در شورای عالی مالیاتی مطرح شد (تیرماه ۷۷) و در آذرماه جاری بخشنامه معاونت محترم درآمدهای مالیاتی در این مورد صادر شد که ۱۰ درصد مالیات شرکت و مالیاتهای حاصل از اعمال نرخ ماده ۱۳۱ در موقع اخذ مالیات شرکت سرمایه‌گذار، از مالیات متعلق کسر گردد. البته بخشنامه به جزئیات عملی پرداخته و به نظر کمی غیرعملی می‌آید. گوش شیطان کر، ایراداتی هم دارد فعلاً تا اجرای احتمالی آن می‌توان صبر کرد.

۷- سه درصد عوارض شهرداری

بدیهی است که ۳ درصد عوارض سهم شهرداری، اصولاً هزینه است و می‌باید در حساب سود و زیان عمل شود، ولی شرکتهای سرمایه‌گذار نیز مانند بقیه شرکتهای، این رقم را در تقسیم سود عمل می‌کنند، شاید به علت اینکه از لحاظ مالیاتی هزینه قابل قبول نیست و با این شیوه ناصحیح، آن را از خالص سود سهامداران کسر می‌کنند! این رویه غلط در مورد پاداش هیئت مدیره هم اعمال می‌شود به هر حال نکته مالیاتی آن این است که اولاً دلیلی بر غیرقابل قبول بودن آن وجود ندارد، ثانیاً چون از شرکتهای سرمایه‌پذیر هم وصول می‌شود، مانند ۱۰ درصد مالیات شرکت، می‌توان آن را هم مضاعف تلقی نمود.

۸- پیش پرداخت مالیات بردرآمد

شرکتهای سرمایه‌گذاری طبعاً مالیاتهای مکسوره توسط شرکتهای سرمایه‌پذیرشان را هر یک با روش مخصوص خودشان، پیش پرداخت مالیات بر درآمد تلقی می‌کنند. بعضی از شرکتهای فقط مالیات دقیق مربوط به سود تقسیم شده را پیش پرداخت حساب می‌کنند. بعضی مالیات ماده ۱۰۵ (سود تقسیم شده و نشده و اندوخته‌ها) را پیش‌پرداخت فرض می‌کنند و گروهی هم پا را از این فراتر گذاشته، ۱۰ درصد و ۳ درصد مکسوره از صورتحسابهای سود خود را هم به آن اضافه می‌کنند.

به هر حال آنچه راکه حوزه مالیاتی قبول دارد، همان مالیات سود تقسیم شده است حالا مگر اینکه طبق بخشنامه اخیر قسمتی از ۱۰ درصد مالیات شرکتهای سرمایه‌پذیر هم مورد قبول قرار گیرد.

البته مشکل غیر از طرز محاسبه پیش پرداخت به نحوه اثبات آن برای حوزه مالیاتی هم برمی‌گردد، حوزه مالیاتی شرکت، از حوزه‌های مالیاتی شرکتهای سرمایه‌پذیر استعلام می‌کند، حوزه‌های شرکتهای از شرکتهای استعلام می‌کنند و پاسخها را به حوزه شرکت سرمایه‌گذاری می‌فرستند تا آنجا مورد بررسی قرار گیرد، غیر از تلقی‌های مختلف نسبت به مالیات و مبلغ آن و اینکه باید روی قطعی یا غیرقطعی بودن آن حساب شود و اینکه معافیتها درست است یا نه، تازه مشکل زمانی هم وجود دارد. این کار بسیار طولانی و وقتگیر است.

۹- مطالبه مازاد پرداختی و وصول آن

فرض می‌کنیم که بعد از مدتهای طولانی رسیدگی و استعلام و چانه زدن، دست آخر، برگ تشخیص کشیده شد و مورد توافق مودی هم قرار گرفت، صدور برگ قطعی با تاخیر بسیار صورت می‌گیرد، چرا که به محض صدور برگ قطعی، مودی مازاد

پرداختی خود را مطالبه خواهد کرد و اکنون شاید میلیاردها ریال مالیات مازاد وجود دارد که حوزه‌های شرکتهای سرمایه‌گذاری باید بازپرداخت کنند ولی عملاً امکان پرداخت آن را ندارند.

در عین حال اگر همکاری و همدردی برخی از ممیزان تحصیلکرده نبود، خیلی از مدیران شرکتهای سرمایه‌گذاری باید تا به حال سر به بیابان گذاشته باشند.

دلیل رو آوردن شرکتهای سرمایه‌گذاری کوچک و متوسط به معاملات سریع سهام در بورس و فروش سهام قبل از تشکیل مجامع عمومی و تقسیم سود، همین مشکلات است. این شرکتهای از تفاوت قیمت حاصل از گذشت مجمع و تقسیم سود، می‌گذرند و به لحاظ مالیات، سهام خود را خیلی سریع می‌فروشند، یعنی عملاً به خاطر مالیات از شکل سرمایه‌گذار به شکل سفته‌باز در می‌آیند. البته سفته‌بازی در بورس جرم نیست، شاید گاهی لازم هم باشد ولی اینکه به خاطر مالیات این اقدام صورت گیرد، منطقی نیست. مالیات باید بتواند سفته‌بازان را به سرمایه‌گذار تبدیل کند و نه برعکس.

نتیجه

چنان که ملاحظه شد مالیات شرکتهای سرمایه‌گذاری از صدر تا ذیل، اشکال دارد. همان‌طور که قانون جامعی برای بازار سرمایه نداریم، قانون مناسبی هم برای مالیات شرکتهای سرمایه‌گذاری نداریم. خوب است متولی قانون بازار سرمایه، بحث مالیات را هم با حضور کارشناسان مالیاتی، پیش ببرد تا به این وسیله وقتی خواستیم قانون بازار سرمایه را اجرا کنیم، تازه به مشکلات مالیاتی بر نخوریم.